

## شیوه های فرزند پروری و بهداشت روانی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان نهاوند

نویسنده گان : دکتر داود کردستانی<sup>۱</sup>، مریم سیاوشی<sup>۲</sup>

## چکیده

پژوهش فوق رابطه بین شیوه های فرزندپروری و بهداشت روانی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان نهاوند را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش از نوع همبستگی است که برای نمونه ۱۰۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانی شهرستان نهاوند به روش تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه اقتدار والدین و بهداشت روانی (GHQ) استفاده شده است. داده های بدست آمده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند. داده ها با نرم افزار SPSS تحلیل گردید. نتایج پژوهش نشان داد که شیوه فرزند پروری آسان گیر با افسردگی، اضطراب و جسمی سازی در ارتباط است و شیوه فرزند پروری اقتدار طلب با افسردگی و اضطراب در ارتباط است. اما شیوه فرزندپروری دموکراتیک ارتباطی با مقیاسهای بهداشت روانی نداشت. تفاوت های جنسی نشان داد که شیوه های فرزندپروری برای دختران به سمت دموکراتیک تمایل بیشتری دارد و کمتر به سمت شیوه اقتدار طلبی متمایل است. به علاوه دختران نمره بیشتری نسبت به پسران در افسردگی و اضطراب کسب نمودند. نتایج تحقیق نشان داد شیوه های فرزند پروری اقتدار طلبانه و آسان گیر می تواند تأثیر تخریبی روی بهداشت روانی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان نهاوند داشته باشد.

واژه های کلیدی: فرزند پروری، بهداشت روانی، آسان گیر، اقتدار طلب و دموکراتیک

---

<sup>۱</sup> - استادیار دانشگاه پیام نور

<sup>۲</sup> - کارشناس روانشناسی عمومی

## مقدمه

خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. بهداشت روانی کودکان به شیوه تعامل والدین با آنها وابسته است. پدران و مادران در تلاش برای فراهم ساختن بهترین امکانات در خانه هستند اما ممکن است به شیوه صحیحی آنها را در اختیار فرزندان نشان قرار ندهند زیرا هنوز روش ثابت شده کاملی در خصوص شیوه پرورش کودکان اختراع نشده است. شیوه‌های پرورشی عجولانه، سهل انگارانه و نامنظم سهم موثری در ایجاد مشکلات رفتاری و عاطفی نوجوانان دارند، در حالی که روش‌های پاسخگو و مولد از ایجاد این مشکلات جلوگیری می‌نمایند. یکی از اولین افرادی که بصورت تجربی روی شیوه‌های فرزند پروری و متغیرهای وابسته به آن پژوهش‌های منسجمی را انجام داد بامریند بود (بامریند، ۱۹۶۷؛ ۱۹۷۱؛ ۱۹۷۸؛ ۱۹۹۱). او با طرح سه شیوه فرزند پروری و متغیرهای وابسته به آن گام‌های اساسی در این زمینه برداشت. تحقیقات نشان داد که شیوه‌های فرزند پروری با احساس کفایت، سازگاری و مشکلات بهداشت روان ارتباط دارند (بامریند، ۱۹۹۱؛ لامبوری، ماتنس، استینبرگ و دورن بوش، ۱۹۹۱؛ دواری، ۲۰۰۴).

منظور از شیوه فرزندپروری روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود بکار می‌گیرند، و بیانگر نگرش‌هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. ولی باید پذیرفت که رفتارهای فرزندپروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه اقتصادی تغییر می‌کند. کودکانی که با تکنیک‌های دمکراتیک پرورش می‌یابند (پاسخگویی بالا و تقاضای بالا توسط والدین)، احتمال بیشتری دارد که دارای احساس کفایت، مقاوم و تعیین کننده پرورش پیدا کنند. تحقیقات مختلف نشان

داده است که شیوه دمکراتیک ارتباط مثبتی با کسب تمرات بالا توسط کودکان و عملکرد موثر در مدرسه دارد (استینبرگ، لامبوری، دورن بوش، ۱۹۹۱؛ استینبرگ، ۲۰۰۱).

کودکانی که با تکنیک های پرورش اقتدار طلبانه (والدین کمتر پاسخگو هستند اما تقاضاهای بالایی دارند) پرورش می یابند احتمال بیشتری دارد که دارای اضطراب بالا، احترام به نفس پایین، از نظر اجتماعی احساس کفایت کمتر کنند و توازن اجتماعی کمتری داشته باشند (برگ، ۲۰۰۰).

کودکانی که با تکنیک های پرورشی آسان گیر (تقاضا پایین و پاسخگویی بالا) پرورش می یابند به سمت عدم اطاعت، لوس شدن و عملکرد پایین در مدرسه و تمایل به رفتار ضد اجتماعی بزرگ شوند. برگ (۲۰۰۰) دریافت که بین شیوه پرورش آسان گیر و وابستگی، رفتارهای پس رونده بخصوص در پسران رابطه وجود دارد. این یافته ها اشاره دارد که شیوه فرزند پروری با بهداشت روانی نوجوانان رابطه دارد. در روش های مثبت فرزند پروری به عوامل زیر تأکید بیشتری می شود: ۱- بهبود مهارت های اجتماعی در فرزندان ۲- اختصاص فرصتی برای مکالمه با فرزندان ۳- تشویق در انجام امور ۴- اسرار به برقراری نظم و انضباط به جای تنبیه ۵- عدم انتقال استرس های ناشی از محل کار به خانه و خانواده ۶- عدم پرورش افراطی فرزندان.

دواری (۲۰۰۴) در مطالعه ای که روی شیوه های فرزندپروری و بهداشت روانی نوجوانان عرب فلسطین در اسرائیل انجام داد این یافته را بدست آورد که بین شیوه تربیتی اقتدار طلبی و مقیاس های بهداشت روانی رابطه ای وجود ندارد، اما رابطه مثبت و معناداری بین شیوه تربیتی دمکراتیک و مقیاس های بهداشت روانی وجود داشت. در پسران شیوه تربیتی آسان

گیری با اعتماد به نفس پایین، اضطراب بالا و اختلال افسردگی رابطه نشان می‌داد. تفاوت جنسی نشان داد که شیوه فرزند پروری در دختران نسبت به پسران به سمت شیوه دمکراتیک سوق پیدا کرده و کمتر شیوه اقتدار طلبانه بود. دختران نسبت به پسران اختلال اضطرابی و افسردگی را نشان می‌دادند، در حالی که پسران نسبت به دختران اختلال رفتاری را نشان می‌دادند.

همچنین دواری (۲۰۰۴) مطالعه ای را روی شیوه های فرزندپروری و بهداشت روانی نوجوانان تیزهوش عرب انجام داد. نتایج نشان داد که شیوه فرزندپروری دمکراتیک با بهداشت روانی نوجوانان تیزهوش و غیر تیزهوش رابطه مثبت دارد، در حالی که شیوه فرزندپروری اقتدار طلبانه با بهداشت روانی تیزهوشان رابطه منفی دارد اما در نوجوانان غیر تیزهوش رابطه ای نداشت.

دواری و همکاران (۲۰۰۶) تحقیقی تحت عنوان شیوه های فرزندپروری، فردگرایی و بهداشت روانی نوجوانان عرب انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که شیوه فرزندپروری دیکتاتور در فرهنگ عربی تأثیر نامناسبی روی نوجوانان ندارد و این سیستم متفاوت با تأثیر شیوه دیکتاتور در نوجوانان غربی است این نتیجه این فرض را تأیید می‌کند که تناسب بین شیوه فرزندپروری با فرهنگ تأثیر مناسبی روی بهداشت روانی نوجوانان دارد و عدم تناسب تأثیر منفی روی بهداشت روان نوجوانان دارد.

نگوین (۲۰۰۸) تحقیقی را تحت عنوان سطح فرهنگ پذیری پدران ویتنامی، شیوه های فرزندپروری آنها و بهداشت روان در نوجوانان مهاجر ویتنامی انجام داد. تحقیق روی ۲۹۰ نوجوان ویتنامی در یکی از کلان شهرهای آمریکا انجام گرفت. نتایج نشان داد که نوجوانانی که

پدرانشان را از نظر شیوه فرزندپروری دیکتاتور تشخیص داده بودند دارای عزت نفس پایین تر و نمرات اضطرابی بالاتر بودند تا نوجوانانی که پدران خود را دمکرات ارزیابی کرده بودند رابطه شیوه های فرزند پروری و بهداشت روانی در هر جامعه ای خاص بوده و تحقیقات کمی در ایران در این خصوص انجام شده است. در شهرستان نهاوند تحقیق خاصی درخصوص این متغیرها صورت نگرفته است. با توجه به لزوم مطالعه تأثیر متغیرهای فرهنگی روی شیوه‌های فرزند پروری و بهداشت روانی انجام تحقیقاتی در این زمینه در شهرستان نهاوند می‌تواند تأثیر عوامل فرهنگی و محلی را بر متغیرهای فوق آشکار سازد و زمینه ساز تحقیقات آتی گردد.

فرضیه های این پژوهش بر اساس تحقیقات تجربی موجود روی شیوه های فرزندپروری و بهداشت روانی از این قرار است: ۱- شیوه فرزندپروری آسان گیر و مشکلات بهداشت روانی در نوجوانان با هم رابطه دارد. ۲- شیوه فرزند پروری اقتدار طلبانه و مشکلات روانی با هم رابطه معنادار دارند. ۳- تفاوت معناداری بین دختران و پسران در شیوه فرزندپروری تجربه شده وجود دارد.

## روش مطالعه، جامعه، نمونه

این پژوهش از نوع همبستگی می باشد که برای بررسی از بین جامعه دانش آموزان دبیرستان شهرستان نهاوند ۱۰۰ نفر از دانش آموزان با روش تصادفی خوشه ای چند مرحله ای به عنوان نمونه انتخاب شدند تا به این وسیله رابطه بین شیوه های فرزندپروری و بهداشت روانی دانش آموزان دبیرستانی مورد بررسی قرار گیرد. داده های بدست آمده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار (SPSS) استفاده شد.

## ابزار پژوهش

برای سنجش بهداشت روانی و شیوه های فرزندپروری آزمودنی ها به پرسشنامه ۲۸ سوالی بهداشت روانی و پرسشنامه اقتدارطلبی والدین پاسخ دادند. پرسشنامه بهداشت روانی یک پرسشنامه شخصی است که در تحقیقات گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه فوق دارای ۲۸ ماده برای اندازه گیری فشارهای روانی ناخوشایند است که دارای چهار مقیاس فرعی است: علائم جسمی، اضطراب، کنش نامناسب اجتماعی و افسردگی می باشد. این پرسشنامه در تحقیق بهداشت روانی ملی ایران مورد استفاده قرار گرفته است. (فدراسیون جهانی برای بهداشت روانی در سازمان بهداشت روانی جهان، ۲۰۰۴).

پرسشنامه اقتدار طلبی والدین که دارای ۳۰ جمله است که در مورد هر والد در مقیاس لیکرت به بررسی شیوه های فرزندپروری والدین می پردازد ۱۰ سوال آن آسان گیری، ۱۰ سوال آن اقتدار طلبی و ۱۰ سوال آن دموکرات را توصیف می کند (بورای، ۱۹۹۱). پرسشنامه فوق در اکثر کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفته و پایایی و روایی آن تأیید شده است (دواری،

۲۰۰۴، ۲۰۰۶). محاسبه ضریب پایایی این آزمون توسط محققین نشان دهنده ضرایب پایایی بین ۰/۷۷ تا ۰/۸۶ در مقیاس های مختلف آزمون بود.

### نتایج و بحث

با توجه به هدف تحقیق ضریب همبستگی شیوه های فرزندپروری و مشکلات روانی محاسبه گردیده که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: همبستگی بین متغیرهای عمده تحقیق

مشکلات بهداشت روانی شیوه های فرزند پروری	جسمی سازی	اضطراب	کنش اجتماعی	نامناسب	افسردگی
پدر آسان گیر	۰/۶۸**	۰/۱۴۷	-۰/۱۴۴		۰/۰۲۷
پدر دموکراتیک	۰/۰۷۹	-۰/۰۲۲	-۰/۲۳۹		-۰/۱۱۹
پدر اقتدار طلب	۰/۰۴	۰/۰۷۳	۰/۱۴۸		۰/۳۶۹**
مادر آسان گیر	۰/۵۸**	۰/۲۱۰*	۰/۲۶*		۰/۳۷۹**
مادر دموکراتیک	۰/۱۷۷	-۰/۰۱	۰/۱۰۹		۰/۰۰۹
مادر اقتدار طلب	۰/۰۷	۰/۲۰۴*	-۰/۲۰۶*		۰/۰۶

\*\*P</math>۰.۰۱

\*p</math>۰.۰۵

وقتی ضرایب همبستگی برای شیوه‌های فرزندپروری و مقیاسهای بهداشت روانی محاسبه شد، رابطه مثبت بین جسمی‌سازی و آسان‌گیری پدر و مادر ( $P < 0/01$ ،  $r = 0/58$ ،  $r = 0/68$ ) بدست آمد. رابطه مثبت معنی‌داری بین اضطراب و اقتدارطلبی مادر و آسان‌گیری مادر بدست آمد ( $P < 0/05$ ،  $r = 0/204$ ؛  $P < 0/05$ ،  $r = 0/210$ ) نشان داد. همچنین افسردگی همبستگی معنی‌داری را با آسان‌گیری مادر ( $P < 0/01$ ،  $r = 0/379$ ) و اقتدارطلبی پدر ( $P < 0/01$ )،  $r = 0/369$ ) نشان داد. رابطه مثبت و معنی‌داری بین آسان‌گیری مادر و کنش نامناسب اجتماعی ( $P < 0/05$ ،  $r = 0/26$ ) و همچنین رابطه منفی و معنی‌داری بین اقتدار طلبی مادر و کنش نامناسب اجتماعی ( $P < 0/05$ ،  $r = -0/206$ ) بدست آمد.

جدول شماره ۲: t تست برای تفاوت جنسی در سبکهای پرورش پدران و مادران

شیوه های فرزند پروری	نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	t
پدر آسان گیر	دختر	۲۷/۰۴	۵/۲۶	۰/۱۶
	پسر	۲۶/۸۸	۴/۶۴	
پدر دموکراتیک	دختر	۳۸/۰۷	۶/۹۲	۲/۹۸**
	پسر	۳۴/۱۲	۶/۰۵	
پدر اقتدار طلب	دختر	۲۸/۳۲	۵/۶	۱/۴۱
	پسر	۲۶/۷۰	۵/۶	
مادر آسان گیر	دختر	۲۸/۰۵	۵/۰۶	۰/۷۵
	پسر	۲۸/۷۸	۴/۶۸	
مادر دموکراتیک	دختر	۳۳/۱۲	۶/۱۱	۱/۷۲
	پسر	۳۵/۴۵	۵/۱۰	

\*\* $P < 0/01$

\* $p < 0/05$



داد که پدران در رفتار با دختران از روش دموکراتیک بیشتر از پسرانشان استفاده می کردند و این امر در حد معنی داری بود ( $P < 0/01$  و  $t = 2/98$ ). مادران نیز در خصوص دختران بیشتر از روش های مقتدرانه استفاده می کردند و این امر در حد معنی داری بود ( $P < 0/01$  و  $t = 3/28$ ).

**جدول شماره ۳: t تست برای تفاوت جنسی مقیاسهای بهداشت روانی**

مشکلات بهداشت روانی	نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	t
جسمی سازی	دختر	۵/۷	۷/۳	۰/۶۵
	پسر	۴/۹	۴/۲	
اضطراب	دختر	۹/۶	۳/۶	۲/۸۷*
	پسر	۷/۱	۳/۹	
کنش نامناسب اجتماعی	دختر	۸	۲/۷	۰/۴۹
	پسر	۷/۷	۳/۱	
افسردگی	دختر	۷/۵	۳/۴	۳/۰۱**
	پسر	۵/۶	۳/۰۱	

\* $p < 0/05$

\*\* $P < 0/01$

برای بررسی تفاوت جنسی در مشکلات بهداشت روانی، دختران و پسران در جدول شماره ۳ مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که دختران اضطراب بیشتری را نسبت به پسران نشان می دادند ( $P < 0/05$ ،  $t = 2/87$ ). به علاوه، دختران افسردگی بالاتری نسبت به پسران نشان می دادند ( $P < 0/01$  و  $t = 3/01$ ) و این از نظر آماری در حد معنی داری بود.

## بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاضر به گسترش یافته‌های قبلی کمک می‌نماید (بامریند، ۱۹۹۱، دواری، ۲۰۰۴). شیوه فرزند پروری آسان گیر با افسردگی، اضطراب و جسمی سازی در ارتباط بود و شیوه فرزند پروری اقتدار طلب با افسردگی و اضطراب در ارتباط بود. اما شیوه فرزند پروری دموکراتیک ارتباطی با مقیاسهای بهداشت روانی نداشت. تفاوت های جنسی نشان داد که شیوه های فرزند پروری برای دختران به سمت دموکراتیک تمایل بیشتری دارد و کمتر به سمت شیوه اقتدار طلبی متمایل است. به علاوه دختران نمره بیشتری نسبت به پسران در افسردگی و اضطراب کسب نمودند. نتایج تحقیق فوق مشابه تحقیقات انجام شده در سایر کشورهای آسیایی بود (دواری، ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۶؛ چن، رونگ وزو، ۱۹۹۷).

شیوه‌های فرزند پروری نقش مهمی در افزایش مشکلات بهداشت روانی نوجوانان دارند. به عبارت دیگر سبک اقتدار طلبانه (یعنی زمانی که والدین تقاضای بالایی دارند اما پاسخگوی فرزند نیستند) و سبک آسان گیر (یعنی زمانی که والدین حداقل امر و نهی و تقاضا را برای رفتار بالغانه دارند) ممکن است در رشد افسردگی و اضطراب نوجوانان مؤثر باشد. این امر نشان می‌دهد که شیوه‌های مرسوم در جوامع فردی که متمرکز بر دادن آزادی و استقلال به کودک است در حال گسترش است. در ضمن به دلیل تغییرات اجتماعی در ایران، به نظر می‌رسد که سبکهای پرورشی اجباری، اطاعتی و سخت‌گیرانه در دختران به سمت سبک پاسخگو و گرم در حال تغییر است. والدین حمایت عاطفی در توضیحاتشان لحاظ می‌کنند. آنها تقاضاهای بالغانه (انتظار پیشرفت) برای دخترانشان دارند و این تقاضاها را با کنش متقابل دوطرفه ابراز می‌کنند. والدین نه‌اندی برای پسران تقاضاهای بیشتر و کنترل بالاتر را نشان می‌دهند، چرا که پسران

احتمال بیشتری دارد که پرخاشگر شوند و چون در تصمیم‌گیری خانواده دخالت دارند، نظم و کنترل بیشتری روی آنها اعمال می‌شود.

با توجه به یافته‌های فوق به والدین و مشاوران پیشنهاد می‌شود که نسبت به اثر منفی سبک‌های فرزند پروری آسانگیر و اقتدارطلبانه بر بهداشت روانی جوانان توجه بیشتری داشته باشند. شیوه‌های آموزش والدین بایستی روی آموزش سبک‌های فرزندپروری نظارتی و پاسخگو متمرکز شده و از این طریق به افزایش بهداشت روانی نوجوانان کمک نماید. یافته‌های فوق قابلیت تعمیم به سایر مناطق را دارد. تحقیق حاضر می‌تواند راهگشای تحقیقات آتی باشد.

## منابع

### References:

Baumrind, D. (1967). Child care practices antecedent three patterns of preschool behaviour. *Genetic Psychology Monograph*, 75, 43-88.

Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monograph*, 4 (1), 2-4.

Baumrind, D. (1978). Parental disciplinary patterns and social competence in children. *Youth and Society*, 9, 239-276.

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence & substance abuse. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.

Berk, L. (2000). *Child Development*. (Edition) Boston, Allyn and Bacon.

Buri, J.R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.

Chen, X., Dong, Q., & Zhou, H. (1997). Authoritative & authoritarian parenting practices, social practices and social performance in Chinese. *International Journal of Behavioural development*, 21, 855-873.

Dwairy, M. (2004). Parenting style and mental health of Palestinian-Arab adolescents In Israel [Electronic version]. *Gifted Child Qual*, Vol. 41, No. 2, 233-252.

Dwairy, M. (2004). Parenting style and mental health of Arab Gifted adolescents [Electronic version ]. *Gifted Child Qual*, Vol. 48, No. 4, 275.

Dwairy, M., A choui, M., A bouserie, R., and farah, Adanan (2006). Parenting Styles, Individuation, and Mental Health of Arab Adolescents. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, Vol. 37, No. 3, 262-272.

Lamborn, S.D., Mounts, N.S., Steinberg, L., & Dornbusch, S.M. (1991). Patterns of competence & adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent & neglectful families. *Child Development*, 65, 1049-1065.

Neqwin, P. v. (2008). Perceptions of Vietnamese Fathers Acculturation Levels, Parenting Styles, and Mental Health Outcomes in Vietnamese American Adolescent Immigrants, *Social Work*, V53, N4, P337-346.

Steinberg, L.S. (2001). We know some things: parent- adolescent relationship in retrospect & prospect. *Journal of Research on Adolescence*, 11, 1-19.

Steinberg, L. S., Mounts, N. S., Lamborn, S. D., & Dornbusch, S. M. (1991). Authoritative parenting and adolescent adjustment across

varied ecological niches. *Journal of Research on Adolescence*, 1, 19-36.

Weiss, L.H. and Schwarz, J.C.(1996) the relationship between parenting type and older adolescents' personality, academic achievement, adjustment and substance use.*Child Development*, 67,2101-2114.

World Federation for mental health and the World health Organization (2004). *Mental Health Promotion Case Studies from Countries*. Eds: Sh Saxena and PJ. NLM classification:VM 105.